

دوشنبه ۶ بهمن ۱۳۹۹
۱۱ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲
● ۲۵ ژانویه ۲۰۲۱

جایگزینی مطالب فیک جامعه‌شناسانه در نبود جامعه‌شناسی اصیل



سارا فرجی

وقتی جامعه شناسی به معنای واقعی آن در جامعه وجود نداشته باشد، مطالب دیگری که فقط ظاهر جامعه شناسانه دارند جای این مطالب ارائه و به اشتباه جزو آثار جامعه شناختی شناخته می‌شوند.

یکی از مظاهر توسعه نیافتگی این است که عناوین و قالب‌های مدرنیتنه و کشورهای توسعه یافته را می‌گیریم ولی در عمل توسعه نیافته رفتار می‌کنیم، نمونه اش بسیاری از تکنولوژی‌های پیشرفته‌ای که در سالهای ابتدای ورود به کشورمان طریقه استفاده درست از آن را بلد نبودیم، اما این توسعه نیافتگی فقط محدود به استفاده از وسایل و تکنولوژی نمی‌شود و در مورد علوم مدرن هم این اتفاق در کشورهای توسعه نیافته می‌افتد. مثلاً اینکه عنوان رشته جامعه شناسی را از کشورهای مدرن و پیشرفته می‌گیریم ولی توجهی به دیسپلین‌های آن نداریم و هر مطلبی را در قالب این عنوان می‌ریزیم، خبرگزاری مهر مدتیست که به موضوع نظر دادن همه افراد درباره همه موضوعات علوم انسانی سلسله گزارش و گفتگوهایی را منتشر می‌کند و رویکرد اصلی‌اش در این گزارش‌ها جامعه شناسی زرد است؛ جامعه شناسی که فقط عنوان جامعه شناسانه دارد ولی هیچ ربطی به علم جامعه شناسی ندارد. مصداقمان برای این موضوع هم کتاب‌هایی مثل «جامعه شناسی خودمانی» مرحوم نراقی، «چقدر خوبیم ما» ابراهیم رها و امثال اینهاست که با اینکه همه تلاش خود را کرده اند تا در زمره کتاب‌های جامعه شناسانه قرار بگیرند اما هیچ ربطی به تحقیقات جامعه شناسی ندارند و فقط اصطلاحات جامعه شناسانه در آنها استفاده شده است این درحالیست که ما در این حوزه کتاب‌هایی مثل «ما

یادم است در یکی از جلسات نقد وبررسی کتاب «چقدر خوبیم ما» نوشته ابراهیم رها، مرحوم قانعی راد که در آن دوران (سال ۱۳۹۵) رئیس انجمن جامعه شناسی ایران بود خطاب به نویسنده اثر گفت: ما جامعه شناسان معمولاً از اینکه یک کتاب در حوزه جامعه شناسی منتشر شود استقبال می‌کنیم و خوشحال می‌شویم اما از طرف آن طرف هم نگران می‌شویم که آیا این اثر واقعا جامعه شناسی است یا نه؟ در مورد کتاب «چقدر

باعث می‌شود راوی بسیاری از صحنه‌ها را با حرکت، صدا، طعم و رنگ تداعی کند و بر زبان بیاورد. اینجاست که روایت پویا شکل می‌گیرد: «در شب‌های طوفانی زمستان، صدای امواج دریا از چند فرسخی به گوشم می‌رسید. در زمستان‌ها با صدای امواج دریا و در شب‌های بهاری با صدای انواع حشرات و واق‌واق سگ‌های محله و آواز قورباغه‌های شالیزارهای اطراف خانه می‌خوابیدیم.» (۱۱)

خواب آغاز روایت است، این شروع هنری است برای کتاب. ما معمولاً قصه و خواب را دو جز لاینفک می‌دانیم. از دیرباز ما با قصه‌های مادرزبرگ‌ها و لالایی خواندن مادرهایمان پلک‌هایمان را بر هم گذاشته‌ایم. گیل مانا هم با خواب و روایت شروع می‌شود. آن‌هم خوابی زمستانی در ساحل دریا که صدای امواج و واق‌واق سگ و آواز قورباغه‌های شالیزار آن را زیباتر می‌کند.

بعدازاین روایت خواب و زمستان، آغاز کتاب و پیوند مخاطب و متن با روز شدن و تحرک و فضای دل‌انگیز زندگی در شالیزار و دکان و... از سر گرفته می‌شود:

«کم‌کم فروشنده‌گی را از پدرم یاد گرفتم و قیمت اجناس دستم اید. پس از مدت کوتاهی کلیددار مغازهٔ بووا شدم. حساب‌وکتاب مغازه دست خودم بود. (۲۰) این تصاویر یکدست، زیبا و پویا، تا پایان فصل کودکی راوی ادامه دارند؛ پس‌ازآن که نگارنده به تلاش برای توسعاندادن دادن به لحن و زبان روایت، برمی‌آید؛ ناچار با برداش سولات به دنبال راهی برای نجات متن و نثر از رسمیت می‌گردد. در اینجا پس از گردآوری اطلاعات، در مرحلهٔ تدوین با چیدمان پاسخ‌ها و جابه‌جایی موتیف‌ها و عبارات، روایت ایستا شکل می‌گیرد:

... با تئویتا به مقر ننه‌شور رفتم. نیروهای سالم که جراحشان کم بود و درصد شیمیایی پایینی داشتند، با مینی‌بوس به آنجا آمدند... گردان به عزا خاندانی تبدیل شد. (۲۸۷) جملات اول، ماشین تئویتا و تعدادی رزمندهٔ شیمیایی را تصویر می‌کند. در ادامه عبارت: «گردان به عزا خاندانی تبدیل شد»، کار ارتباط‌گیری مخاطب را با متن سخت می‌کند؛ عبارت برای کسی آشناست که عزاداری کرده باشد و عزا خانه را دیده باشد؛ اما برای مخاطبی که میانه‌ای با عزا نداشته، با این شناختی از شکل و شیوهٔ عزاداری در جبههٔ ندارد، عبارتی گنگ می‌خواند که تصویری مبهم را به او نشان می‌دهد. ازاین‌دست عبارات در قسمت دوم، یعنی در بخش رزمی راوی بیشتر مشاهده می‌شود.

زبان مادری و زبان رسمی

فرابخوان مناقصه عمومی

شماره ۹۹/۸

نوبت دوم

اداره کل نوسازی توسعه و تجهیز مدارس استان اردبیل در نظر دارد مناقصه عمومی پروژه های مندرج در جدول ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ساده) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند

ردیف	شماره فراخوان	موضوع مناقصه	نحوه واگذاری	مبلغ تقصیم (ریال)	برآورد(ریال)
۱	۳۷۸۵۰۰۰۰۱۸-۲۰۹۹۰	تکمیل مدرسه ۱۲ کلاسه شهید باهنر خلخال	دو مرحله	۱/۴۸۴/۰۰۰/۰۰۰	۲۹/۶۷۲/۹۲۱/۹۷۵
۲	۳۷۸۵۰۰۰۰۱۹-۲۰۹۹۰	تکمیل مدرسه ۱۲ کلاسه خیری شهیرک دادگری اردبیل	دو مرحله	۹۰۹/۵۰۰/۰۰۰	۱۸/۱۸۶/۴۲۹/۱۵۷
۳	۳۷۸۵۰۰۰۰۲۰-۲۰۹۹۰	تکمیل مدرسه ۱۲ کلاسه خیری پروفیسور خدابخشی ناحیه یک اردبیل	یک مرحله	۶۳۱/۵۰۰/۰۰۰	۱۲/۶۲۲/۷۵۷/۵۹۰
۴	۳۷۸۵۰۰۰۰۲۱-۲۰۹۹۰	احداث مدرسه سه کلاسه بنیاد علوی کلاسرا گرمی	یک مرحله	۳۵۷/۰۰۰/۰۰۰	۷/۱۳۱/۰۲۴/۸۶۶
۵	۳۷۸۵۰۰۰۰۲۲-۲۰۹۹۰	تکمیل مدرسه خیری روستای میرک مشکین شهر	یک مرحله	۲۲۶/۶۰۰/۰۰۰	۴/۵۳۱/۵۲۲/۶۶۸

تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۹۹/۱۱/۴ می باشد.

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از ساعت ۸ روز شنبه تاریخ ۹۹/۱۱/۴ لغایت ساعت ۱۳:۳۰ روز پنجشنبه به تاریخ ۹۹/۱۱/۹

مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: ساعت ۱۴:۳۰ روز دوشنبه تاریخ ۹۹/۱۱/۲۱

زمان بازگشایی پاکت ها: ساعت ۹ روز سه شنبه تاریخ ۹۹/۱۱/۲۱

هزینه چاپ آگهی برعهده برنده برزندگان مناقصه می باشد

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه: گزارش جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت های مناقصه:

آدرس: اردبیل خیابان دانشگاه ۱۸متری آزادگان پشت بیمارستان امام (ره) اداره کل نوسازی توسعه و تجهیز مدارس استان اردبیل و برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن : ۰۴۵-۳۳۳۷۳۰۰۸۲-۴، واحد امور قراردادهای تماس حاصل نمایند.

مراجعه به سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۰۲۱-۴۱۹۳۴-۰۲ دفتر ثبت نام استان اردبیل: ۰۴۵-۳۳۲۵۱۵۸۷ اطلاعات تماس دفاتر پیتنام سایر استانها در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش ثبت نام ابروفایل تامین کننده مناقصه گر موجود است

لطفی –مدیر کل نوسازی توسعه و تجهیز مدارس استان اردبیل

نبود جامعه‌شناسی اصیل

که اینطور نیست. به طور کلی، این کتاب به ما توهم این را می‌دهد که ما خیلی بدیم، دقت کنید که نه «یک کمی» بلکه «خیلی» بدیم. عمومی کردن پدیده‌ها تا این حد آنها را تبیین ناذیر و تبدیل به یک امر غیرتاریخی می‌کند. اینکه شما از پدیده‌ها یک امر غیرتاریخی بسازید در نهایت منجر به این نتیجه گیری می‌شود که ما ایرانی‌ها از همه دنیا بدتریم. به نوعی «هنر نزد ایرانیان است و بس» معنی «خیانت نزد ایرانیان است و بس» را می‌دهد. ممکن است که نویسنده پاسخ دهد که اینها همه طنز است و من در حالتی این کتاب را می‌نوشتم که لحنم طنز بوده است منتها ممکن است خواننده وقتی این کتاب را می‌خواند چنین حسی نداشته باشد و متوجه طنز بودن خیلی از آنها نشود.

این نقد به جا و درست تنها یک نمونه از تدریبات رسمی دارد و به این اثر وارد شد و این کتاب هم فقط یکی از چندین کتابی است که خود را یک اثر جامعه شناسانه می‌داند در حالی که اصلا در زمره آثار جامعه شناسانه قرار ندارد.

اینکه خصایص و ویژگی‌های مردم را ببینیم و بیان کنیم و بدتر از آن، آنها را تعمیم دهیم و عمل جامعه شناسانه نیست، جمع آوری دیده‌ها و شنیده هاست و مورد استقبال قرار می‌گیرد چون مردم خوششان می‌آید راجع به چیزهایی بخوانند و بشوند که حرف دل خودشان است اما هیچ‌گونه پشتوانه علمی ندارد. در این میان خیلی‌ها می‌گویند همین که چنین کتابی چاپ و خوانده می‌شود اتفاق خوببست یا مثلاً همین که موضوعی مطرح شود و مردم به فکر روند خودش اتفاق خوب و مثبتی است ولی واقعیت امر این است که حتی اگر قرائت باشد مردم به فکر فرو بروند باید به شکل درست و علمی به موضوع فکر کنند همان نکته‌ای

که در اولین گزارش هم به آن اشاره کردیم، چالهای عمیق بهتر از اقیانوسی به عمق یگساست.

در گزارش‌های قبلی اشاره کردیم که این روزها شبکه‌های اجتماعی هم بستری فراهم کرده اند تا همه افراد نظرات خود را مطرح کنند و بعضاً به گفته‌های معمولی شان رنگ و بوی جامعه شناسانه بدهند و جدی جدی باورشان شود که کار جامعه شناسانه کرده اند منتها نکته خیلی مهمی که در گفتگوی قبلی هم سعید معیدفر، جامعه شناس و پژوهشگر اشاره کرد، این است که اینگونه مطالب که جامعه شناسی واقعی نیستند زمانی جای خود را باز می‌کنند که فضا برای رشد جامعه شناسی اصیل و واقعی فراهم نیست و در عوض چنین مطالبی جای جامعه شناسی خوانده می‌شوند در حالیکه در کشورهای توسعه یافته و پیشرفته، جامعه شناسی تریبون رسمی دارد و با همه دیسپلین هایش پذیرفته شده نه اینکه فقط در نام وجود داشته باشد در واقع در کشورهای توسعه یافته، جامعه شناسی جای خود را در بدنه جامعه پیدا کرده است.

نکته دیگری که در گزارش و گفتگوهای بعدی قصد داریم به آن بپردازیم اینکه آیا شبکه‌های اجتماعی فضای مناسبی برای مطرح شدن مباحث جامعه شناختی و جدی هستند یا نوعی جفا در حق این علوم حساب می‌شوند؟ اینکه دوطخ از یک فلسفی و جامعه شناسی را برداریم و با آب وتاب در اینستاگرام، فیسبوک و امثال این شبکه‌های اجتماعی بنویسیم و هزاران نفر هم بخوانند و لایک کنند یعنی یک کار جامعه شناسی کرده ایم؟ به نظر می‌رسد این روزها فاصله و شکاف میان جامعه شناسی فیک (FAKE) و واقعی روزبه روز در حال بیشتر شدن است و این اتفاق بوی خوشی برای اهالی جامعه شناسی ندارد.

«گیل مانا»؛روایتی که از حالت عینی به حالت ذهنی و انتزاعی می‌رود



که مصاحبه را به زبان بومی انجام دهد. زبان مادری به‌مراتب بالاحساس‌تر از زبان معیار است و بسیاری از عواطف در بستر زبان مادری با رعایت اقتصاد کلمات به‌راحتی بیان می‌شوند. مؤلف در تألیف کتاب که زبان معیار را برمی‌گزیند، از کلمات بومی در هم‌نشینی واژگان رسمی و اداری، بهره می‌گیرد؛ اما وفور کلمات رسمی جز فرصتی اندک، مجالی به واژگان بومی نمی‌دهد و کلمات: تالر، بوا، آواجی و ... زورشان به فضای رسمی روایت نمی‌رسد.

کلی‌گویی و تجزیه‌وتحلیل در قسمت دیگر و در جایی که راوی جبهه را روایت می‌کند، گاه از خاطرات فاصله می‌گیرد و تحلیل و تجزیه و کلی‌گویی وارد کار می‌شود:

«عملیات کردستان، سختی‌ها را می‌گیرد و تحلیلی را داشت، چون در آنجا فقط جنگ پدی نبود؛ جنگ فرماندهان بود، جنگ مغزا و تدبیر بود. (۱۱۱) «عملیات کردستان». منظور راوی از به کار بردن این عبارت، عملیات‌هایی است که در مناطق کردنشین و یا کردستان انجام داده است.

در ادامه، آوردن ترکیبات «جنگ مغزا»، «جنگ تدبیر»، روایت را از حالت عینی به حالت ذهنی و انتزاعی سوق می‌دهد؛ مخاطب با این سوال مواجه می‌شود که جنگ تدبیر، چگونه جنگی است؟ جنگ مغزا به چه معناست؟ و هزاران خوشه‌ی معنایی و مفاهیم مختلف به ذهن او می‌رسد.

و همچنین در:

«تیروهای عراق ارتفاعات گوره‌شیر و سرم‌گان را از قبل خالی کرده بودند و به دست نیروهای دمکرات داده بودند. آن‌ها هم حضور دائمی نداشتند، فقط کمین یا ضربه می‌زدند و سمت خاک عراق می‌گریختند. حجم نیروهای ما بالا بود. از چند محور به مرز زد بودیم. به همین دلیل دشمن عقب‌نشینی کرد.» (۱۲۷)

و یا:

«عراقی‌ها مقاومت سختی کردند، هرچند تعداد شهدا زیاد بود؛ اما توانستیم رتفاع سربوه را از عراقی‌ها بگیریم. مقاومت تا فردای آن روز ادامه داشت. عراقی‌ها پاتک سختی زدند؛ اما موفق به بازپس‌گیری ارتفاع نشدند.» (۱۴۴)

و ازاین‌دست:

«بعد از تصرف شهر ماؤوت عراق به مرخصی طولانی‌مدت رفتم. بعد از مرخصی به سندانج برگشتم و گردان را سازمان‌دهی کردیم. بعد از آزادسازی، ماؤوت علی عبداللهی به‌عنوان فرماندهٔ لشکر ۱۶ پیاده قدس معرفی شد. (۲۹۸)

در این گونه روایات، رنگ، طعم و بوها گام می‌شود. زمان دچار پرش می‌شود. کلی‌گویی جای جزئی‌گویی را می‌گیرد و کلمات ابراهیم وارد متن می‌شوند: مرخصی طولانی‌مدت، سازمان‌دهی، آزادسازی، مقاومت سخت، پاتک سختی، چندمحور، حجم بالا، سمت خاک عراق.

در اینجا مکانیزم نگارنده به دلایلی نظیر عدم تجربه میدانی ...، جواب نمی‌دهد و راوی بازمه او را در ورطه ابهام و کلی‌گویی گرفتار می‌کند؛ اما سماجت و تلاش او در مصاحبه و تعدد سوالات گاهی، پارای از کاستی‌ها را جبران می‌کند:

«شهدا از شهرهای مختلف ایران بودند. با همان لباس رزمی کردی. آن‌ها را داخل بالستیک پیچیده بودند. شهدا را از کنار چشمه، به بالای ارتفاع، کنار جادهٔ مارو آورده بودند.» (۱۲۶)

این بند به‌ش‌ک در پی پرسیدن سوالات فراوانی تألیف شده است.

و همچنین این عبارات:

«بالگرد، جنگی نبود. چون به شکل پلنگی بود و هیچ موتیکی هم به آن وصل نبود. ... همه ما سرها را به‌طرف بالگرد بلند کردیم. همگی نگاه می‌کردیم چه می‌کند. بالگرد هرلظه به ما نزدیک‌تر می‌شد.» (۱۴۱).

نکات دستوری و دیالوگ‌ها

اخبار

«**ارمنان تاریکی**» **ارمنان آ**ی‌فیلم۲ سریال «ارمنان تاریکی» به‌مناسبت نزدیک شدن به دهه فجر، در جدول پخش کانال آی‌فیلم۲ قرار گرفت.

به‌گزارش امتیاز، این سریال جلیل سامان که در دهه فجر سال ۱۳۸۹ از شبکه سه سیما پخش شد، برای آی‌فیلمی‌ها در کشورهای فارسی‌زبان همسایه نمایش داده می‌شود.

«ارمنان تاریکی» قصه چند دانشجوی جوان است که در سال‌های آغاز دهه شصت در تهران زندگی می‌کنند و هر یک در برخورد با حوادث و رویدادهای سیاسی و اجتماعی آن دوران همچون: جنگ تحمیلی، بحران‌های سیاسی، حضور گروهک‌های سیاسی در جامعه و... سرنوشت‌هایی متفاوت پیدا می‌کنند. محور سریال روایت فراز و فرودهای زندگی جوانی به نام مجید دانشجوی رشته عکاسی است که اوایل انقلاب جذب یکی از سازمان‌های سیاسی شده و به دلیل هوش و ذکاوت خود مورد اطمینان قرار می‌گیرد. سرانجام به او مأموریت مهمی داده می‌شود که باید از عهده انتحاش برآید، مأموریتی که داستان این سریال را به وجود آورده است.

آرش، مجیدی، امیر آقایی، سودابه بیضایی، لیلیا زارع، مجید مشیری، شهنش تسلیمی، مجید سعیدی، حمیدرضا هدایتی، سعیده عرب،امیر غفارمنش، علی ابوالحسنی، حشمت آرمیده، فریبرز گرم‌رودی، آزاده ریاضی، مریم خداحجمی، مریم سرمدی، طرلان پروانه و... بازیگرانی این مجموعه هستند.

این سریال پربیننده ایرانی، قرار است از امروز دوشنبه ۶ بهمن، هر روز ساعت ۱۶:۰۰ به‌وقت تهران، ۱۷:۰۰ به‌وقت کابل و ۱۷:۳۰ به‌وقت دوشنبه تاجیکستان روی آنتن برود.

در «شکاف اقتصادی» *هیسپان تی‌وی* بررسی می‌شود: **امارات دروازه قاچاق طلای آفریقا**

شبکه هیسپان تی وی در این قسمت از برنامه «شکاف اقتصادی» به تلاش‌های امارات متحده عربی در قاچاق گسترده طلا در جهان و به ویژه قاچاق این فلز گرانبها از آفریقا می‌پردازد.

به گزارش امتیاز، «شکاف اقتصادی» که در هر هفته یکی از موضوعات مهم اقتصادی در جهان را زیر ذره‌بین می‌برد، در این هفته نگاهی خواهد داشت به حجم بالای واردات طلا به امارات که طبق بررسی‌های صورت‌گرفته، بیش از نیمی از آن بدون پرداخت مالیات به کشورهای تولیدکننده، انجام می‌شود.

مهدیه اسماعیل‌پور مجری این برنامه ضمن اشاره به پیامدهای قاچاق گسترده طلا در اقتصاد کشورهای آفریقایی و مرمی که در زمینه استخراج طلا فعالیت می‌کنند، تبعات زیست‌محیطی و نگرانی‌های کشورهای همچون غنا، تانزانیا و زامبیا نسبت به حجم گسترده قاچاق طلا را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. «شکاف اقتصادی» کاری از واحد برنامه‌های شبکه پرس تی وی و به تهیه‌کنندگی کاوه تقوایی است که برای مخاطبان اسپانیایی زبان شبکه هیسپان تی وی زبان‌گردانی می‌شود. این برنامه روزهای دوشنبه ساعت ۲۰:۳۰ به وقت تهران پخش می‌شود و تکرار آن چهارشنبه‌ها ساعت ۲۴:۳۰ روری آنتن می‌رود.

پرونده فوق‌سری ۲۰۴۰؛ با محوریت اسرائیل به نمایش‌کتاب رسید

چاپ دوم کتاب ۲۰۴۰ داستانی از جنایات رژیم صهیونیستی علیه بشریت به‌خصوص ایران، از ترور دانشمندان هسته‌ای تا نبردهای بی‌وزنورسیم و ربایش چهرهای شاخص انقلاب هم‌زمان با ایام نمایشگاه مجازی کتاب تهران توسط انتشارات شهید کاظمی روانه بازار شد.

ویژگی بارز این کتاب، استفاده مستند نویسنده از اسناد تاریخی موقق برای فضاسازی و روایت داستانی است؛ به نحوی که اکثر اسامی و شخصیت‌های داستان با اسامی و مشخصات حقیقی خود وارد می‌شوند و بر مدار تخیل نویسنده، نقش‌شان را ایفا می‌کنند. همچنین حاوی عملیات‌های پیچیده اطلاعاتی و مهیج است که با کش مکش‌های داستانی، مخاطب را در جریان جنایات رژیم صهیونیستی قرار می‌دهد.

سیزدهم خرداد سال ۱۳۴۸ هجری شمسی مردی بزرگ از دنیا رفت. در همان شب در سراسر دنیا ۱۲ نفر یهودی متولد شدند. یازده پسر و یک دختر؛ در بین آنها فقط یک پسر بود که از اجداد پدری و مادری اش اصالت یهودی اش اثبات شده بود و از وفاداران به صهیونیسم بودند. اسمش را بنیامین گذاشتند. چون در ساعت و دقیقه روز خاصی به دنیا آمده بود و از طرفی هوش بسیار فعالی داشت، مورد توجه موباد قرار می‌گیرد.

شخصیت اصلی داستان یا همان بنیامین، دقیقاً در همان ساعت و دقیقه‌ای که امام خمینی (ره) علیه از دنیا می‌روند، به دنیا می‌آید و تحت شدیدترین مراقبت‌های موباد زندگی می‌کند. بر اساس برنامه طراحی شده آنها زندگی می‌کنند. والدین او هر دو کارمند یهود هستند، مادرش نسبت به تبعیض جنسیتی بی‌هود نسبت به دختر و پسر ناراحت است و دائماً همسرش و منابع دینی‌شان را مورد سوال و مقایسه قرار می‌دهد. به همین مناسبت در بخشی از کتاب برخی از رسوم و آداب صهیونیست‌ها در خصوص تبعیضات جنسیتی از زبان او برای مخاطب بیان می‌شود.

در فصول مختلف بین زندگی بنیامین جنایات رژیم صهیونیستی در قالب داستان روایت می‌شود. از ایفای نقش در نازارهای مدنی ایران تا ترور دانشمندان هسته‌ای و فعالیت‌های غیر انسانی در خصوص مردم دنیا.

چاپ دوم پرونده فوق‌سری ۲۰۴۰، داستانی از جنایات رژیم صهیونیستی علیه بشریت به‌خصوص ایران به‌قلم محمدقبیری (نویسنده کتاب از پمبا تا ماریانا) در قطع رقعی و ۱۶۰ همزمان با ایام نمایشگاه کتاب تهران توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر شد.